

شاهنامہ فردوسی

حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی

جلد اول

پیرامناس پبلیکیشنز



فردوسی، ابوالقاسم، ۳۳۹ - ۴۱۶ ق.

Ferdowsi, Abolgasem

شاهنامه

شاهنامه فردوسی بر اساس چاپ مسکو/ابوالقاسم فردوسی.

تهران: پارمیس، ۱۳۹۵.

ج. ۲

دوره ۰۸۹۱/۳۱ : ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۲۷-۸۹-۰ ، ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۲۷-۸۰-۷ ج. ۱ ؛

۹۷۸-۶۰۰-۶۰۲۷-۸۱-۴ ج. ۲

فیبا

شابک جلد ۲

شعر فارسی -- قرن ۴ ق.

Persian poetry -- 10th century

PIR۴۴۹۰ ۱۳۹۵م

۸۹۱/۳۱

۲۵۵۶۸۳۴

سرشناسه

عنوان قراردادی

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضاحت فهرست نویسی

یادداشت

موضوع

موضوع

رده بندی کنگره

رده بندی دیسی

شماره کتابشناسی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

پارمیس

شماره فردوسی (جلد ۱)

دانش چاپ مسکو

دوره ۱

۳۰۰ نسخه

قوس

تاجیک

۹۷۸-۶۰۰-۶۰۲۷-۸۰-۷

۹۷۸-۶۰۰-۶۰۲۷-۸۹-۰

خیابان کارگر جنوبی، پایین تر از میدان حر،

کوچه حاتمی، پلاک ۲۷

تلفن: ۶۶۴۹۶۹۲۵

عنوان

نوبت چاپ

شمارگان

لیتوگرافی

چاپ و صحافی

شابک

شابک دوره

«حق چاپ برای ناشر محفوظ می باشد»

فهرست مطالب

۹	یشگز
۱۵	زندینامهٔ حسین ابوالقاسم فردوسی طوسی
۲۵	جلد اول
۲۷	آغاز کتاب
۲۷	ستایش
۲۸	گفتار اندر آفرینش عالم
۲۹	گفتار اندر آفرینش مردم
۲۹	گفتار اندر آفرینش اشیاء
۳۰	در آفرینش ماه
۳۰	گفتار اندر ستایش پیغمبر
۳۱	گفتار اندر فراهم آوردن کتاب
۳۲	داستان دقیقی شاعر
۳۲	بنیاد نهادن کتاب
۳۳	در داستان ابومنصور
۳۳	ستایش سلطان محمود
۳۵	کیومرث
۳۶	هوشنگ
۳۹	طهمورث
۴۱	جمشید
۴۷	ضحاک
۶۴	فریدون
۹۵	منوچهر

۱۵۳	ملحقات
۱۶۸	پادشاهی نوذر
۱۸۷	پادشاهی زوطهماسپ
۱۸۸	پادشاهی گرشاسپ
۱۹۶	کیقباد
۲۰۳	پادشاهی کی کاووس و رفتن او به مازندران
۲۳۴	رزم کاووس با شاه هاماوران
۲۵۶	سهراب
۲۹۳	ملحقات
۳۰۱	جلد دوم
۳۰۳	داستان سیاوش
۴۳۲	ملحقات
۴۳۹	جلد سوم
۴۴۱	کیخسرو
۴۴۱	پادشاهی کیخسرو شصت ساله
۴۵۴	گفتار اندر داستان فرود سیاوش
۴۹۷	داستان کاموس کشانی
۵۴۷	داستان خاقان چین
۵۹۴	داستان اکوان دیو
۶۰۲	ملحقات
۶۰۹	جلد چهارم
۶۱۰	داستان بیژن و منیژه
۶۵۵	داستان دوازده رخ
۷۳۹	جنگ بزرگ کیخسرو با افراسیاب
۷۳۹	اندر ستایش سلطان محمود
۸۴۳	ملحقات

پیشگفتار

این پیشگفتار مقدمه مفصلی است به قلم دانشمند فقیدی . برتلس (وفات سال ۱۸۸۸) که در متن انتقادی حاضر تحت نظر وی تهیه شده است. چنانکه معلوم است اوّل دستون کامل و علمی شاهنامه که در قرن گذشته به توسط ت. ماکان و ژ. مین انتقاد یافت از موفقیت‌های مهم به شمار می‌آمدند، پاره‌ای از خواسته‌های اساسی متن انتقادی علمی را برآورده نمی‌ساختند. نه ژ. مول و نه ماکان در مقدمه‌های متن علم انتقاد خود را سراً تذکار نداده‌اند که کدام نسخه‌ها را مورد استفاده قرار دادند و کدام را مرجح دانسته و کدام شیوه انتقاد متن را به کار برده‌اند. هر دو ناشر، بقدر که معلوم است، شماره زیادی از نسخه‌های نه چندان قدیمی شاهنامه را گرفته، آنها را با یکدیگر مقایسه نموده و متن اصلی را نسبتاً خودسرانه انتخاب نموده و در آن نسخه‌های دیگر را ابدأ ذکر نکرده‌اند. بدین شکل متن‌هایی به دست آمده است که نرانت آنها آسان ولی رابطه‌شان با متن اصلی اثر فردوسی نامعلوم است.

در اواخر قرن گذشته ا. وولگرس چاپ دیگری از شاهنامه منتشر ساخت. وولگرس چاپ‌های مول و ماکان را با هم مقایسه نموده، متن خود را برپایه آن دو چاپ قرار داد و تفاوت آنها را با دقت در پاورقی ذکر نمود. علاوه بر آنکه در چاپ وولگرس به واسطه فوت ناشر ناتمام ماند این چاپ نیز مسائل عمده‌ای را که به عهده علم است، یعنی رجوع به قدیمی‌ترین، بهترین و معتبرترین نسخه‌های خطی و همچنین معرفی نسخه‌های مورد استفاده و ذکر دقیق نسخه بدل‌ها، حل ننمود. هنگام جشن هزاره فردوسی چاپخانه «بروخیم»، متن ناتمام وولگرس را تقریباً بدون تغییر چاپ نمود و ترتیب دادن بقیه آن را، که وولگرس و شاگردش

لاندا اور بدن توفیق نیافته بودند، به عهده سعید نفیسی گذاشت. متن شاهنامه چاپخانه «خاور» که به مناسبت جشن هزاره فردوسی انتشار یافته و همچنین چاپ دبیر سیاقی که در این اواخر منتشر می‌گردد نیز هر دو اصولاً بر پایه متن‌های مول و ماکان قرار دارند.

دانشمندان جهان بارها درباره لزوم انتشار متن انتقادی جدیدی از این اثر پر عظمت، داهیانه و دارای اهمیت جهانی، که متکی بر اصول علمی و قدیمی‌ترین و بهترین نسخ باشد، تذکار داده‌اند. انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی برای انتشار متن نوین علمی شاهنامه راه دیگری که با راه متقدمین تفاوت دارد، در پیش گرفت. استفاده از چاپ‌های قبلی که بر پایه نسخ نامعلوم و بدن ذکر ریخ قرار دارند - به جز در موارد استثنایی - بدون فایده تشخیص داده شد. هرچنین رجوع شماره زیادی از نسخ خطی قرون مختلف که دارای اغلاط و اشتباهات و اضافات و تریقات زیادند نیز غیر مفید به نظر رسید. در نتیجه چنین تصمیم گرفته شد که فقط از قدیمی‌ترین نسخه‌ها که تقریباً همزمان و از حیث متن به یکدیگر نزدیک باشند استفاده گردد.

ترتیب دهندگان متن برای خود از نسخ خطی زیرین استفاده نموده‌اند:

۱. نسخه خطی موزه بریتانیا، که در سال ۶۷۵ هجری کتابت شده، از کلیه نسخ خطی که تا به حال معلوم و مشهور است قدیمی‌تر و به نظر ما بهترین نسخه موجود است.

۲. نسخه خطی کتابخانه عمومی لنینگراد که در سال ۷۳۲ هجری کتابت شده و دومین نسخه‌ای است که قدیمی‌تر از کلیه نسخه‌های مشهور است.

۳. نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی که در سال ۸۴۹ هجری کتابت شده ولی حاوی «مقدمه قدیم» شاهنامه است و بنا بر این از روی نسخه‌ای قدیمی‌تر، که با متن نسخه سال ۷۳۳ بسیار نزدیک بود، استنساخ گردیده.

۴. نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی، بدون تاریخ، ولی به حسب شیوه کتابت، جنس کاغذ و اسلوب مینیاتورها می‌توان قضاوت کرد که تقریباً در سال ۸۵۰ هجری استنساخ شده است. در این نسخه اشتباهات و اغلاط زیاد است، اما این نسخه نیز حاوی «مقدمه قدیم» می‌باشد و از روی نسخه‌ای کتابت شده که در بعضی از موارد بسیار نزدیک به نسخه خطی سال ۶۷۵ هجری است.

این چهار نسخه حاوی متنی است که قبل از تهیه نسخه خطی مشهور برای بایسنقر در سال ۸۳۳ هجری رواج داشته است. کلیه اطلاعات و نظریات راجع به «مقدمه قدیمی» و نسخه خطی سال ۸۳۳ هجری توسط ی. برتلس در مقدمه روسی این جلد شرح داده شده است. و نیز در همین مقدمه مختصات کلیه نسخ مورد استفاده مشروحاً ذکر گردیده است.

متن حاضر که برپایه چهار نسخه نامبرده قرار دارد، با ترجمه عربی شاهنامه در سال‌های ۶۱۵-۶۲۴ هجری توسط الفتح ابن علی البنداری الاصفهانی انجام یافته است مطابقت داده شده. ولی از آنجا که این ترجمه در بسیاری از موارد از ترجمه دقیق متن صرف نظر نموده و به نقل مختصر واقعه قناعت ورزیده است استفاده از آن برای ترتیب دادن متن حاضر با احتیاط فراوان همراه می‌باشد. طرف دیگر بسیاری از جزئیات ترجمه بنداری برای ترتیب دادن این متن کمک گرایی در خصوصیات این ترجمه و شیوه استفاده از آن نیز توسط ی. برتلس در مقدمه روسیه تفصیل شرح داده است.

هیچ یک از نسخ مورد استفاده نمی‌توانست پایه متن حاضر قرار گیرد. بدین جهت برای ترتیب دهندگان متن منظمی آمد که متن اصلی را پس از مقایسه دقیق کلیه نسخه‌های مورد استفاده با در نظر گرفتن دقیق کلیه اختلافات و تفاوت‌های آنها انتخاب نموده تفارقات را در پاورقی قید نمایند تا محققینی که بعداً درباره متن شاهنامه تتبع می‌نمایند مکان داشته باشند کلیه جزئیات کار ما را مورد بازرسی قرار دهند.

محک و معیار شیوه بیان و سبک و زبان شاهنامه در کار ترتیب دادن این متن با کمال احتیاط به کار برده شده است. زیرا مسئله این است که ما متن اصلی شاهنامه را در دست نداریم و فقط کوشش می‌کنیم تا هر قدر ممکن است بدان نزدیک‌تر شویم. زبان و سبک و شیوه بیان فردوسی را فقط می‌توان از متن اصلی شاهنامه بدست آورد. بنابر این اگر ما اکنون سخن و سبک و شیوه فردوسی را عاملی شناخته شده بدانیم و بخواهیم به وسیله آنان طریق ترتیب دادن متن معین سازیم دچار اشتباهی منطقی خواهیم شد. زیرا عامل مجهولی برای ما نخواهد بود. معرف بازی خواهد کرد و یا به عبارت دیگر نامعلومی معرف نامعلوم دیگری خواهد بود. و همانا به همین جهت فرهنگ ف. ولف که برپایه چاپ‌های مول و ماکان، یعنی متون درهم آمیخته، و براساس نسخه‌های خطی قرون مختلف قرار گرفته، نیز در ترتیب دادن این متن از طرف ما با کمال احتیاط به کار برده شده

است.

بدین شکل، متن حاضر به طور کلی حاوی متنی است که از کلیه متون معلوم شاهنامه قدیمی تر است و مربوط به قرون هفتم و هشتم هجری می باشد، و هم چنین نسخه های هم عصر و هماهنگ این قرون را که تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته اند در دسترس دانش پژوهان قرار می دهد. بی شک این متن از متن های درهم آمیخته چاپ های موجود و نسخ قرون پس از قرن نهم هجری به متن اصلی که پرداخته خامه فردوسی است نزدیک تر می باشد.

با وجود این، متن حاضر را به هیچ وجه نمی توان متن «آخرین» و «متن اصلی» به شمار آورد بلکه تتبع عمیق فیلولوژیک متن شاهنامه فقط آغاز می گردد. قبل از هر کار لازم است که منظره تغییر تاریخی ای که متن شاهنامه در جریان قرون متمادی بدان دچار گردیده است تثبیت گردد. ولی انجام یکباره این امر به واسطه وجود نسخه های خطی بی شمار بسیار دشوار است. ما در چاپ حاضر متنی بنی قدیمی ترین نسخه ها را در دسترس خوانندگان و محققین قرار می دهیم. برپایه این متن باید فرهنگی «کنکور دانس» نظیر فرهنگ ف. ولف تنظیم گردد. این فرهنگ برپایه نسخ خطی ای که تاریخ کتابت آنها دقیقاً معلوم است قرار خواهد داشت. در این کار باید هر کلمه در کدام نسخه وجود دارد. چنین فرهنگی نظر ما را نسبت به سادگی فردوسی به کار برده است دقیق تر خواهد ساخت و امکان خواهد داد که کمک مراجعه همه جانبه به متن از نو به تحقیق درباره شاهنامه بپردازیم. و فقط پس از آن است که می توانیم مسئله متن نسبتاً «آخرین» شاهنامه را مطرح کنیم. برای این کار می توان همچنین از نسخ خطی دیگر شاهنامه و کتب قدیمی دیگری که حاوی بعضی از قسمت ها و ابیات اصیل شاهنامه باشند استفاده نمود، زیرا در این صورت چند محکم و معیار برای سنجش اصالت آنها در دست خواهد بود. هم چنین می توان منابع مختلف دیگر مانند طبری، ثعالبی، بلعمی و غیره و نیز فرهنگ ها را مورد استناد قرار داد و از تفسیر مشروح تمام متن شاهنامه و بکار بردن کلیه شیوه های انتقاد فیلولوژیک آغاز نمود.

ولی این کار مربوط به آینده است. در حال حاضر ما قدیمی ترین متن شاهنامه را به خوانندگان عرضه می داریم و این نخستین مرحله تتبع درباره متن این اثر است و پایه ای برای تتبع بعدی آن. در اینجا باید اقرار کنیم که البته در متن حاضر کمبودهای زیاد و کار پرداخت نشده و صیقل نخورده راه یافته است. ولی

ما از این آزمایش که با تمام وسایل متن حاضر را «بهتر سازیم» و آن را «آسان خوانا» کنیم پرهیز نمودیم. زیرا این کار به مقصود ما که تتبع پی گیرانه درباره متن است و همچنین به شیوه اساسی ما که تثبیت قدیمی ترین نسخ و قدیمی ترین ترتیب و تدوین متن می باشد خلل وارد می ساخت. در نتیجه چنین آزمایشی متن «آخرین» اثر فردوسی به وجود نمی آمد و ارزش کار تنزل می یافت و چاپ متن به زمان نامعلومی محول می گشت.

حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی